

بزرگترین مثنوی ادب فارسی - صفحه ۵۱ - اول دفتر

«اول دفتر» از غزلیات سعدی شیرازی است؛

مستوفی الدین مصباح بن عبدالله سعدی شیرازی از درختان کهن چهره‌ای ادب ایران در سراسر دوره‌های است. تولد او را به سال ۶۷۶ دانسته‌اند. سعدی بسیار سفر کرده است؛ بارگه به حجاز رفته و عمل حج به بهای آورده است. پس از سفر طولانی به شیراز برگشته و در سال ۶۹۱ یا ۶۹۲ در شیراز وفات یافته است. از وی علاوه بر دیوان، بوستان و گلستان نیز برجای مانده است. سعدی از آن مردانی است که همی در زمان هیاتش شهری عالمگیر داشته است. سعدی غزل را به نقطه کمال رسانده است. سخن سعدی را به صفت سهل و مستغنی سوده‌اند، یعنی سخن او به شیوه‌ای است که شنونده می‌پذیرد آسان است ولی هرگز نمی‌تواند تصدیق آن را با فرزند.

بیت ۱ ← صباغ : سازنده / حی : زنده ، جاوید / توانا : قادر / دفتر : کتاب شعر
+ آرایه تسیق الصفات دارد.

معنی : کتب و دفتر شعر خود را با نام خداوند دانا، سازنده، پرورش دهنده، زنده و قادر آغاز می‌کنم.

بیت ۲ ← اکبر : بزرگ / اعظم : بلند مرتبه / صورت : ظاهر / سیرت : باطن
صورت ، سیرت = تضاد

معنی : او بزرگ و بلند مرتبه است و خداوند عالمیان و آدمیان است. ظاهر نیکو و باطن زیبا خلق کرد.

بیت ۳ ← از در = از جهت / مرغ ، هوا : تائب یا مراعات‌تصدیر / ماهی ، دریا : تائب

معنی : از جهت نخستین و بنده پروری، بهره و نصیب پرورنده آسمان و ماهی دریا را فراهم آورده است

بیت ۴ ← (کنعم : ثروتمند ، درویش : فقیر) ← تضاد / (پشه : نماد کوچکی ، عنقا : به معنی

سیمرغ ، نماد بزرگی) ← تضاد . معنی : همه آن‌ها چه ثروتمند و چه فقیر ، روزی خود را می‌خورند هم‌چنین عنایت خداوند شامل حال پشه و سیمرغ نیز می‌شود. (کوچک و بزرگ)

بیت ۵ = صخره صفا : صخره سخت

معنی : خواسته و حاجت مورچه ای را که در تیره پناه در زیر سنگ سخت است نیز از دانش نهانی می داند

بیت ۶ = جانور، نطفه : تائب / شکر، بی : تائب / برکت، چوب : تائب / تر، خند : تضاد

خارا : سنگ سخت و محکم

معنی : خداوندی که جانوران را از نطفه، شکر را از نیلگر، برکت بند و باطلروت را از چوب خفت و چشمه جوشان را از سنگ سخت و محکم پدید می آورد.

بیت ۷ = شربت نوش : عمل گوارا / مگس نخل : زنبور عمل / شربت نوش، مگس نخل : تائب

نخل، دانه خرما : تائب (مراعات تطهیر) / نخل، نخل : جنبی ناهمساز احتمالی در حرف وسط
معنی : عمل گوارا را از زنبور عمل و درخت تنومند نخل را از دانه خرما پدید می آورد (می آفریند)

بیت ۸ = مشفق : مهربان / برهان، پدید = تضاد

معنی : خداوند از همه موجودات بی نیاز است در حالی که نسبت به همه آنها مهربان و دلسوز می باشد، از همه مردم جهان برهان است در حالی که بر همه آنها ظاهر و آشکار است.

بیت ۹ = پرتو : فروغ، نور / سردامات : حقیقه، سرافرده / جلال : بزرگی

معنی : فروغ نور سرافرده عظمت و بزرگی خداوند، فراتر از عقل و گاهی انسان لای داناست.

بیت ۱۰ = زبان، دل، موی، اعصاب : تائب (مراعات تطهیر)

معنی : نه تنها زبان عارف بیرونی و بی دل به مدح و ستایش خداوند می پردازد بلکه همه وجود انسان خدا را پرستش و ستایش می کند.

بیت ۱۱ = صفت خورد : امنون و عسرت می خورد. / امروز، فردا : تائب، تضاد

معنی : هر کسی که برای نجات لای دنیا بسایس گزاری نکند بر بهره بخش مقام عسرت و امنون می خورد. (فردا : استعاره از مقام)

بیت ۱۲ ← مُسْتَهِنٌ : نلرہبان / مدبر : باندبیر / منترہ : پاپ / آرایہ تَسْبِیْحِ الصِّفَاتِ
معنی : پروردگارا نلرہبان و باندبیر هستی و از هر عیب و نقضی پاپ و بہ دور هستی.

بیت ۱۳ ← کَرِیْمٌ : فرشتگان

معنی : پروردگارا ما نفعی تو انیم همراه با فرشتگان عالم بالا، آنگونه کہ سائتہ توست حقّ بندگی و
سپاس تو را بہ جای آوریم.

بیت ۱۴ ← سَعْدِی : تخلص شاعر (معمولاً شاعران در پایان غزلیات و قصاید نام شاعری خود را
می آورند، اصطلاحاً گوی شاعر را امضاء کرده و بہ نام خود بیت می گویند)
مزمم، و مزمم = جنبین ناھمان اختلافی در حرف اول

معنی : سعدی بہ اندازه درک و مزمم خود سخن گفت و الا کمال انسان بہ جایگاه والای تو نمی رسد.

درستایش خرد و دانش - مضمون پنجم

این قسمت از شاهنامه فردوسی است.

حکیم ابوالقاسم فردوسی بزرگترین حماسه سرای ایران در یکی از سالهای ۳۱۹

یا ۳۳۰ هـ. ق در روستای باژ واقع در منطقه طوس به دنیا آمد. فردوسی از

نجیب زادگان و دهقانان طوس بود.

دهقانان طبقه‌ای صاحب مقام و دارای املاک و اموال بودند و زندگی مرفهی داشتند. این گروه به سنت و مذهب ایرانی دل بستگی بسیار داشتند و سرگذشت

پیشینیان خود را بهتر از هر گروهی می‌دانستند و آن را سینه به سینه به نسل‌های بعد از خود انتقال می‌دادند.

فردوسی در دوران ۳۵ یا ۴۰ سالگی در صد تقیم شاهنامه برآمد و حدود ۲۰

یا ۳۵ سال از عمر خود را بر سر این کار گذاشت.

فردوسی به مرور زمان و به دلیل عدم رسیدگی لازم و خشک سالی‌های پی‌درپی املاک خود را از دست داده و در راه تقیم شاهنامه صرف کرده بود. در اواخر عمر

به این اندیشه افتاد که کتاب خود را به نام محمود غزنوی کند اما شاهنامه

به ۴ دلیل مورد قبول سلطان محمود واقع نشد.

از این رو فردوسی ناگام گشت و سالهای آخر عمر خود را در تنگ دستی و بیماری

گذرانید و سرانجام در حالی که نزدیک به ۸۰ سال داشت در سال ۴۱۱ درگذشت

و در زادگاه خود به خاک سپرده شد.

بیت ۱ = خرد، خردمند، خردمند

معنی: بگوار علم و دانش چه از خردمند ای داری نشان بده تا گوش بشنود از آن بهره مند شود.

بیت ۲ = عمل، خرد را همیشه بدان و عقل را سرمایه زندگانی بدار.

بیت ۳ = خردمانی، غنی = تفصیل، فزونی، کمی - تناسل

غنی، کمی = جناس ناهمسان اختلافی در حرف اول

معنی: عقل و دانش انسان را شمارمان می‌کند و ندانستن آن تور اغمکین می‌کند، بوسیله علم و خرد به مقام والای رسی و ندانستن آن مقامت را پایین می‌آورد.

بیت ۴ = خرد، خرد = جناس ناهمسان اختلافی در حرف اول

معنی: آن مرد خردمند چه زیبا گفت که دانا از گفتار او بهره‌مند می‌شود.

بیت ۵ = ریش، ناراحت
ریش، ریش: جناس ناهمسان اختلافی در حرف اول

معنی: کسی که عقل و خرد را راهنمای خود قرار دهد از کار خود ناراحت می‌شود.

بیت ۶ = هشیوار: دانا، هشیوار، دیوانه = تفصیل

هوشیار، بیگانه: تفصیل

معنی: دانا و هوشیار او را دیوانه و نادان می‌داند و خامیل او را بیگانه حساب می‌کند.

بیت ۷ = معنی: تو همیشه عقل و خرد را آیین و راهنمای خود قرار ده و

بوسیله دانش جانت را از بدی دور کن.

بیت ۸ = لغزنی = بیارایی (+ معنی برخی کلمات در پارچه آمده که بسیار

مهم است.
معنی: وقتی که از هر علی، سختی شنیدی یک لحظه از آموختن و یاد گرفتن آسوده
خواهی بود.

بیت ۹ = معنی: اگر در راه کسب علم و دانش به زحمت و رنج هم بیفتی ارزش
دارد، چرا که رنج و سختی کشیدن برای دانش شایسته است.

بیت ۱۰ = رنج، گنج: جناس ناهمسان اختلافی در حرف اول
معنی: ای انسان دانا، گنج به وسیله رنج و زحمت به دست می آید و بدون رنج
کسی، صاحب گنج نمی شود.

بیت ۱۱ = معنی: از هر دانشی، مطالبی بیاموز و بشنو، زیرا در هر دانشی
برای تو آرامشی حاصل خواهد شد.

بیت ۱۲ = بسیج: آماده ساز ، میسای: آسوده نباش
معنی بیت: هیچ وقت از بخشش و احسان دست نگیر، همیشه به آموختن
و عدالت آماده باش.

بیت ۱۳ = خردمند، نادان: تضاد
معنی: دیگر اینکه با مردم دانا هم نشینی کن چرا که نادان طبق آیین و
رسوم و دین عمل نمی کند.

بیت ۱۴ = دانا، نادان = تضاد ، دشمن، دوست = تضاد
معنی: انسان دانا اگر دشمن جانی باشد بهتر از دوست نادان است.

سبّا ۱۵ ← مرگ، زنجی = تضاد ، سالار، بندگی : تضاد

معنی : برای من مرگ، بهتر از آن زنجی ای است که در عین سردار بودن
بزدلی کنم.

سبّا ۱۶ ← داستان : مثال ، سیر، پلنگ : مراعات نظیر
معنی : پلنگی وقتی با شیر جنگی می جنگد و مبارزه می کند انگونه مثال زد

سبّا ۱۷ ← معنی : اگر در حالی که من عزت و آبرو دارم خون مرا بریزی
بهتر است از آن که زنجی در حال تنگ داشته باشم.

سبّا ۱۸ ← زمان، گمان = جناس ناهمسان
معنی : یک لحظه از آموختن راحت و آسوده نباش و از آموختن دانش، دل
خود را دچار شک و تردید نکن.

سبّا ۱۹ ← توفیق : ادا کردم ،
معنی : وقتی می گوی که من دین و قرض خود را به عقل و غیره ادا کردم و
هر چه لازم بود یاد گرفتم.

سبّا ۲۰ ← معنی : روزگار بازی عجیبی با تو خواهد کرد و تو را که نازانی
در پیش آموزشات قرار خواهد داد.

گلرپای لرستان

در جامع بعلبک وقتی کلمه ای همی گفتم به طریق وعظ ----- در همینم اثر نکند.

وقتی: روزی ، بعلبک: نام شهری در شام ، کلمه: سخن ، وعظ: پند و اندرز

دل مُرده: ناکشنامه حقایق ، عالم صورت: دنیا و مادیات ، نفس: سخن

عالم معنی: حقایق ، در نمی گیرد: اثر نمی کند.

معنی دو جمله: زحمانی در مسجد جمعه شهر بعلبک به شیوه پند و اندرز با گروهی از مردم دل سرد و کور دل و ناکام از عالم حقیقت سخن می گفتم کسانی که گرفتار دنیا و مادیات هستند و از حقایق بی خبر. منوجه شدم که سخنان گرم و در رفت من در وجود سرد و ناکام آنها تا اثر نمی کند.

در بیخ آهنگ ترتیب سوزان و آینه داری ----- سخن را به جای رسانیده که گفتم:

سوزان: استعاره از انسان لری حیوان هفت ، آینه داری: منظور بیهوده کاری

در معنی: اضافه استقاری ، باز - دراز: **سجع مطرف** ،

سوزان - کوران: **سجع مطرف** ، سلسله سخن: **اضافه تشبیه**

معنی دو جمله: افسوس خوردم و برای من سخت بود که انسان لری حیوان

هفت بیهوده کار را ترتیب کنم. اما معنی و سخن در مورد آینه بیدار

بود ، سخن را به جای رساندم گفتم:

+ دوست نزدیک تر از -----

تردیک تر، دورتر: تضاد - من: آرایه تکرار

معنی بیت: حضرت حق از من به وجود و درون من نزدیک تر است، چه دشوار است که با این تقرب من از او دور هستم.

+ چه کنم با که توان -----

مهر عبور: دور - همدارم درم آرایه پارادوکس یا تناقض دارد.

معنی بیت: چه کاری انجام دهم و به چه کسی بگیرم یا در کنار من است ولی من از او دورم و در فراق او به سرنمی برسم.

من از شراب این سخن مست ----- تردیگان بی بصر دور.

+ تشبیه سخن به شراب ، فضاله: باقی مانده ، مست - درت: بیجم سواری ،

موافقت: همراهی ، عروش - عروش: بیجم مطرف ، دوران - تردیگان: تضاد

مضمر - دور: بیجم مطرف

معنی ۳ جمله: من از شراب این سخن، مست شده بودم و باقی مانده پیاپی شراب

در دستم بود (هنوز اندکی از سخنان من باقی بود) که ناگهان عابری از کنار مفضل عبور

کرد و آخرین دور جام سخن در او اثر کرد و فریاد برزد که دیگران همراه او به عروش

آمده و فریاد کشیدند و افسردگان مفضل به جیب و عوش اصناد در. گفتیم خدایا!

آنان که دور هستند بیار دل هستند و مثل این که در مجلس حضور دارند و آنهایی که در مجلس هستند و کور دل مثل این است که در هستند و سخنان من در آنها اثر نمی کند.

+ فهم سخن چون نکند ----

مُتَمَع : شنونده ، متکلم : سخنران

معنی بیت : اگر شنونده ، سخنران گوینده را متوجه نشود ، خوش سخن گفتن راز سخنران انتظار نداشته باش .

+ فُحْتِ مِیَانِ ارَادَتِ ----

فُحْتِ : مراضی ،

معنی بیت : علاقه نمودن با سخنان و سخنانش بیشتر آن تا او نیز بتواند به خوبی هضم نماید کند و سخنان زیبا بر زبان آورده

* * *

+ پادشاهی پارسایی را دید ----

پارسا : عارف

معنی جمله : پادشاهی ، عارفی را دید ، گفت : اصلا از ما یاد می کنی ؟ عارف گفت : بله ، زمانی که هداوند را فراموش کنم (یعنی هیچ وقت)

+ هر سو دود آن کیش ----

براند - بخواند : تصاد

معنی بیت : هر کسی که راه هداوند از درگاه خود براند و نپذیرد به هر طرف می رود و سرگردان می شود و آن کسی را که هداوند به پیش خود دعوت کند ، محتاج دربان نخواهد شد .

* * *

مال از بهر آسایشِ عمر است ----- مُرد و هشت .

نیک بخت - بد بخت : تضاد ، کثرت - هشت : **سبع متواری**

معنی در جمله : مال و ثروت برای رفاه عمر آدمی است ؛ عمر انسان برای جمع کردن دارایی و ثروت نیست . از عاقلی سؤال کردند خوشبخت چه کسی است و بدبختی چه می باشد ؟ عاقل گفت ؛ خوشبخت کسی است هم از ثروت خود بهره مندتره و خورد و هم بدبخت آورد ؛ اما بدبخت فردی است که مُرد و دارایی خود را باقی گذاشت .

+ مُلن نماز بر آن هیچ کس -----

هیچ کس : انسان پست و فرومایه

معنی بیت : بر سرِ جهازه فرد پست که هیچ اطاعتی انجام نراده ، و عمر و زندگی خود را صرف به دست آوردن مال و ثروت کرده اما از آن بهره ای نبرده است ، نماز هیت نخوان .

علم از بهر دین پروردن است نه از بهر دنیا خوردن .

پروردن - خوردن = **سبع مطرف**

معنی جمله : علم برای پرورش دادن دین است نه برای خوش گذرانی و بهره مند شدن از نعمت لای دنیا .

+ هر که پر هیز و علم و -----

مصراع دوم تمثیل - آرایه اسلوب معادله دارد .

معنی بیت : هر کسی که تقوا و پر هیزی و دانش خود را به مال دنیا فروخت مانند کسی است که معمول زیاری دروگند و همه را یکجا آتش زرد .

ص ۸
+ عالم ناپرهیزگار کور مشقه دار است.

معنی: دانشمندی تقوا همایتد مزد ناپسای است که مشعل به دست گرفته است.

+ بی فایده هر که عمر ----

بسیادت: خرج کرد، صرف کرد.

معنی بیت: هر کسی که عمر گران مایه و عزیز خود را بی فایده سپری کند مانند کسی است که بدون اینکه چیزی بخرد پول و طلای خود را خرج می کند.

+ رحم آوردن بر بدان ----

بَدان، نیکان: تصاد - بجمع - ظالمان، درویش: تصاد
معنی: مهربانی کردن در حق بدان، ستم است نسبت به انسانی خوب، بخشیدن ستمکاران
ظلم است در حق فقیران و ستم در حقان.

+ خبیث را چو تعهد کنی ----

معنی بیت: اگر انسان پست و فرومایه را بنوازی و مورد توجه و احترام قرار دهی با پستیابی
قدرت تو، گناه می کند و تو نیز در این گناه با او شریکی.

+ مضم بیش از حد گرفتن ----

آرد، پیرد: بجمع مطرف - درستی: سختگیری
معنی: عصبانی شدن بیش از اندازه موجب آرس و بیماری می شود، محبت بی جا بزرگی و
شکوه را تباہ می کند، نه آنقدر سختگیری کن که از تو بنیزار شوند و نه چندان محبت و
ملاکمت که نسبت به تو گستاخ شوند.

+ درستی و نرمی ----

درستی، نرمی: تصاد - فاهد، جراح، مرهم: مراعات تصد (تأسیب) - نه، به: چنان
معنی بیت: سختگیری و ملاکمت در کنار رحم زیادت مانند مزد رگزن که بدن را از چمن می کند
میسی دارو می گذارد.

+ درشتی نگیرد هرگز میند ----

درشتی، سستی: تضاد - پیش، خویش: هجاء ناهمساز
معنی بیت: انسان عاقل، سختگیری و تنیدی نمی کند همچنین با سستی نیز مقام و منزلت خود را پایین نمی آورد.

+ نه مرعوب شدن را ----

نهد، دهد: هجاء ناهمساز - قهری، مذلت: تضاد
معنی بیت: نه آن اندازه خود را برتر از دیگران می داند که تکبر آورد و نه یکبارگی آن به ذلت می دهد.

+ بد خوئی در دردت دشمنی گرفتار ----

معنی: بد اخلاق اسید دشمنی است که هر جا برود از دست شکنجه ای او خلاصی ندارد.

+ اگر ز درت بلا برفک زود ----

دستِ بلا: اضافه استعاری -
معنی بیت: اگر انسان بد اخلاق از ترس حادثه ای بد، حتی به آسمان که هم فرار کند باز هم از دست اخلاق بد خود در بلا درخ خواهد بود.

+ چیزی که می دانی که دلی ----

بیازارد، بیارد: بیع مطرف - خاموش: ساکت بودن
معنی: چیزی که می دانی داد آن باعث آرزو خاطر شدن دلی می شود تو ساکت باش تا دیگری آن خبیر را بدهد.

+ بلبل فرده بیار ----

بلبل: پیام آور شادی - بوم: به معنی جغد، پیام آور غم - بلبل، جغد: تضاد، مراعات تنقید
بهار، بیار: هجاء ناهمساز
معنی بیت: ای بلبل برای ما خبیر آمدن بهار را بیار و دادن خبیر بد و شوم را به جغد و انداز کن.